



حلقه مفقوده در سیاست دولت‌های غرب

سخنرانی مریم رجوی در اجتماع گروهی از شخصیت‌های سیاسی و بین‌المللی

مرداد ۱۴۰۱

در این اجتماع، گروهی از شخصیت‌های سیاسی و بین‌المللی از کشورهای مختلف جهان از جمله هیات‌های نمایندگی از کشورهای اروپایی، جهان عرب و شخصیت‌های آمریکایی شرکت داشتند و سخنرانی کردند. در آغاز این اجلاس، مریم رجوی طی سخنانی به تشریح وضعیت رژیم آخوندی و حلقه مفقوده در سیاست دولت‌های غرب پرداخت و گفت:

بسیار خوشحالم که شما را مجدد می‌بینم. طی دو سال گذشته به دلیل پاندمی کرونا متأسفانه از دیدارهای جمعی محروم بودیم.

حضور شما در اشرف ۳ برای اشرفی‌ها بسیار خوشحال کننده است زیرا دوستان دوران سخت خود را می‌بینند. روزهای بسیار سختی بود. ولی به کمک شما ما از همه موانع عبور کردیم.

حتما شما از موزه مقاومت ایران دیدار کرده‌اید، این تصویر هرچند کوچکی از درد و رنج مردم ایران و مقاومت پرشکوهی است که مجاهدین در مقابل این رژیم بنیان گذاشتند.

من امروز خوشحالم که به شما بگویم تغییر رژیم به دست مردم و مقاومت ایران بیش از هر زمان دیگر در دسترس است.

سه واقعیت ایران

اجازه می‌خواهم در این فرصت، نگاه کوتاهی داشته باشیم به شرایط ایران؛

سه واقعیت درباره ایران، تصویر روشنی به هر مخاطبی می‌دهد.

اول: پوسیدگی رژیم، دوم: ادامه‌داری جنبش اعتراضی در ایران و سوم: نقش مقاومت ایران در سوق دادن اوضاع به سرنوشتی رژیم آخوندی.

آخوندها با ماجراجویی، تهدید و هیاهوی تبلیغاتی تلاش می‌کنند هراس‌شان را از تنها هم‌اورد و

نقطه آسیب‌پذیر رژیم مخفی کنند، یعنی مقاومت مردم ایران. شما دوستان عزیز با قرار گرفتن در کنار مبارزه مردم ایران برای آزادی و دموکراسی دقیقاً همین نقطه ضعف بنیادی رژیم را هدف قرار داده‌اید. به اشتراک نظر انواع گرایش‌ها در جهان عرب و جهان غرب حول همبستگی با مبارزه مردم ایران برای آخوندها قابل پذیرش نیست. به تازگی ۵ هزار تن از اعضای کانون‌های شورشی در ایران، با ارسال پیام‌های تصویری برای سرنگونی رژیم اعلام آمادگی کردند. جمله مشترک آن‌ها این بود که: «می‌توان و باید». می‌توان و باید رژیم استبداد مذهبی را سرنگون کرد.

این گام بلندی در استراتژی مقاومت ایران است که در حال ایجاد نیروی سازمان‌یافته‌ی از جوانان شورشگر است تا در ترکیب با قیام‌ها، رژیم را از سر راه آزادی مردم ایران بردارند. مؤلفه‌های تعیین‌کننده‌ی در اوضاع ایران در حال تغییرند. یکی جامعه ایران است که در مسیر سرنگونی رژیم حرکت می‌کند. دیگری وضعیت وخیم خود رژیم است. امروز یک مشکل مبرم خامنه‌ای ریزش‌های جریان‌وار در سپاه پاسداران است. در هفته‌های اخیر برکناری شماری از بالاترین فرماندهان سپاه از جمله فرمانده حفاظت ویژه خامنه‌ای و فرمانده سازمان اطلاعات سپاه، پرده‌ها را کنار زد.

رژیم ایران در ضعف یا قدرت؟

کسانی که از اوضاع ایران و موقعیت واقعی رژیم بی اطلاعند، این طور گمان می‌کنند که تروریسم صادراتی رژیم یا به‌کارگیری پهپاد و موشک علیه کشورهای همسایه نشانه قدرت آن است. البته این یک اشتباه بزرگ است. سرکوب در داخل ایران یا موشک‌پرانی و جنگ‌افروزی در خارج مرزها، دم و بازدم حیاتی فاشیسم دینی است. بنابراین روزی که از آن دست بکشد، دیگر موجودیت ندارد. عقب‌رو در حال مرگ هم تا آخرین لحظه نیش می‌زند. تنها راه پس‌زدن رژیم، قاطعیت است و البته که عنصر تعیین‌کننده، مقاومت ایران است.

دوستان ما که از کشورهای عربی و مسلمان که در این جا هستند خوب به‌خاطر دارند که خمینی بنیانگذار این رژیم، هشت سال با کشور همسایه، یعنی عراق در حال جنگ بود. می‌گفت تا ویرانی آخرین خشت خانه‌های تهران می‌جنگم. در حالی که در تابستان ۶۱ پایان جنگ و صلح امکان‌پذیر بود و می‌شد صلح را برقرار کرد اما خمینی و رژیم‌اش مانع می‌شدند.

سرانجام حملات پیروزمند ارتش آزادی‌بخش ملی ایران و ترس خمینی از سرنگونی، باعث شد که آتش‌بس در جنگ با عراق را بپذیرد و گفت: من جام زهر آتش‌بس را سر می‌کشم. در مقطع کنونی، ضعف رژیم را به‌وضوح در چند روند مهم می‌توان مشاهده کرد: از جمله استمرار

جنبش اعتراضی، گسترش شبکه مقاومت و عملیات آن در داخل ایران، ناتوانی آخوندها در حل معضلات اقتصادی - اجتماعی، ریزش در سپاه پاسداران، و شکست رژیم در ادامه نمایش اصلاح‌طلبی.

مماشات با توحش آخوندها

درست به‌همین دلیل، هیچ زمانی مثل امروز رژیم نیازمند مماشات غرب نبوده است. این‌که چنگ و دندان نشان می‌دهد، و این که لفاظی‌های ضدغربی می‌کند، از قضا برای این است که هم‌چنان از امتیازهای امنیتی و سیاسی و مالی غرب بهره‌مند شود.

متأسفانه دولت‌های غرب از فجایح مماشات با این رژیم در سه دهه گذشته عبرت نگرفته‌اند. معاهده اخیر دولت بلژیک با آخوندها، برای تحویل یک دیپلمات تروریست بمب‌گذار به‌رغم محکومیت او در قضائیه بلژیک، نمونه‌یی از این سیاست است.

ایرانیان و اشرف‌نشان‌ها در کشورهای مختلف با تظاهرات و تجمع و تحصن به این معامله ننگین اعتراض کردند. با همین ایستادگی و هم‌چنین اقدامات حقوقی مقاومت ایران، انتقال این تروریست به ایران متوقف شده و بررسی این موضوع را در دستور کار خودش قرار داده است. واقعیت این است که در ۴ دهه گذشته هیچ موردی از تحویل تروریست‌های زندانی رژیم در ازای گروگان‌های غربی نبوده که متعاقباً زندگی اتباع غربی را بیشتر به‌خطر نینداخته باشد.

نمونه دیگر برنامه اتمی رژیم است. تاریخچه نزدیک شدن گام به‌گام آخوندها به بمب اتمی مانند تاریخچه دادن بسته‌های تشویقی به این رژیم است. در دو سال اخیر، دولت‌های غرب دست روی دست گذاشته‌اند و رژیم با استفاده از همین فرصت تلاش می‌کند خود را به بمب برساند. در حالی که یک سیاست قاطع می‌توانست رژیم را متوقف کند.

نمونه دیگر، چشم بستن دولت‌های غرب به نقض حقوق بشر در ایران است. در قیام آبان ۹۸، به‌دستور مستقیم و علنی خامنه‌ای، سپاه پاسداران دست کم ۱۵۰۰ جوان را قتل‌عام کرد. متأسفانه دنیای غرب در قبال این جنایت، سکوت کرد. این همان سکوت فاجعه‌باری است که غرب نسبت به قتل‌عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ کرد. سه ماه پیش مقاومت ایران در افشاگری بزرگی اطلاعات سازمان زندان‌های رژیم را در مقیاس میلیونی منتشر کرد. من فقط یک بند از آن اطلاعات را در این جا یادآوری می‌کنم:

در زندان‌های رژیم ۵ هزار و ۳۷۰ نفر محکوم به اعدام و قصاص
هم‌چنین ۵۱ نفر محکوم به سنگسار و ۶۰ نوجوان زیر ۱۸ سال محکوم به اعدام.

آیا چشم بستن به این توحش، شایسته جهان بشری است؟

آخوندها آن قدر به ملامت غرب نسبت به خودشان اطمینان دارند که در حال حاضر شمار زیادی از مأموران وزارت اطلاعات و نیروی تروریستی قدس را به صورت سلول‌های خفته ساکن اروپا و آمریکا کرده‌اند. کم نیست گزارش‌های اطلاعاتی که نشان می‌دهد رژیم ایران هم تجهیزات مورد نیاز برنامه اتمی خود را از بازارهای اروپا تهیه می‌کند و هم وسایل سرکوب مردم ایران را.

قلب دعوا این است که چرا وقتی جامعه ایران در تدارک سرنگونی رژیم است، دولت‌های اروپایی خود را در جبهه رژیم قرار می‌دهند؟

تمام مسأله این است که امدادسانی به آخوندها برای جلوگیری از سرنگونی‌شان باید متوقف شود. سیاستی که مثل سه دهه گذشته مانع تغییر دموکراتیک در ایران شده، باید کنار گذاشته شود. حالا بیش از همیشه برای همگان روشن است که خاورمیانه و جهان عرب و جهان اسلام هم رنگ آرامش به خود نخواهد دید و نخواهد توانست موانع توسعه سیاسی و اقتصادی کشورهای خود را برطرف کند، مگر زمانی که موانع مردم ایران برای تغییر رژیم برداشته شود و مرکز صدور تروریسم و بنیادگرایی و جنگ‌طلبی و ناآرامی در منطقه از میان برداشته شد.

حلقه مفقوده در سیاست غرب

زمان یک سیاست جدید در قبال رژیم فرا رسیده است. حلقه مفقوده در سیاست دولت‌های اروپایی و آمریکا، بی‌توجهی به مردم ایران و به‌ویژه مقاومت سازمان‌یافته آن‌هاست که عملاً این بی‌توجهی در خدمت رژیم آخوندی بوده است. دولت‌های اروپا و آمریکا باید خود را در کنار مردم ایران و خواسته آن‌ها قرار دهند.

انتظاری که از دولت‌های اروپایی و از اتحادیه اروپا می‌رود، چند اقدام مشخص است:

- لیست‌گذاری تروریستی تمامیت وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران
- اخراج مأموران اطلاعات و سپاه از خاک اروپا و سلب پناهندگی و شهروندی از آنان
- ارجاع پرونده تروریسم و نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت توسط رژیم ایران به شورای امنیت و تعقیب و محاکمه خامنه‌ای و رئیسی و دیگر سردمداران رژیم
- مشروط کردن روابط سیاسی و اقتصادی با رژیم به توقف اعدام و صدور تروریسم از سوی رژیم آخوندها

- و به رسمیت شناختن نبرد شورشگران با سپاه تروریستی پاسداران برای سرنگونی استبداد دینی

البته سرنگونی رژیم آخوندی و برقرارکردن دموکراسی و حاکمیت جمهور مردم کار مقاومت و مردم ایران است. مقاومت ایران و جایگزین دموکراتیک شورای ملی مقاومت، پرچمدار روابط عادلانه، بر اساس احترام به استقلال، حاکمیت ملی و مصالح دو جانبه با همسایگان و تمام جهان است. قطعا در این مبارزه آزادیبخش، مثل همیشه، شما را در کنار خود خواهیم داشت.